



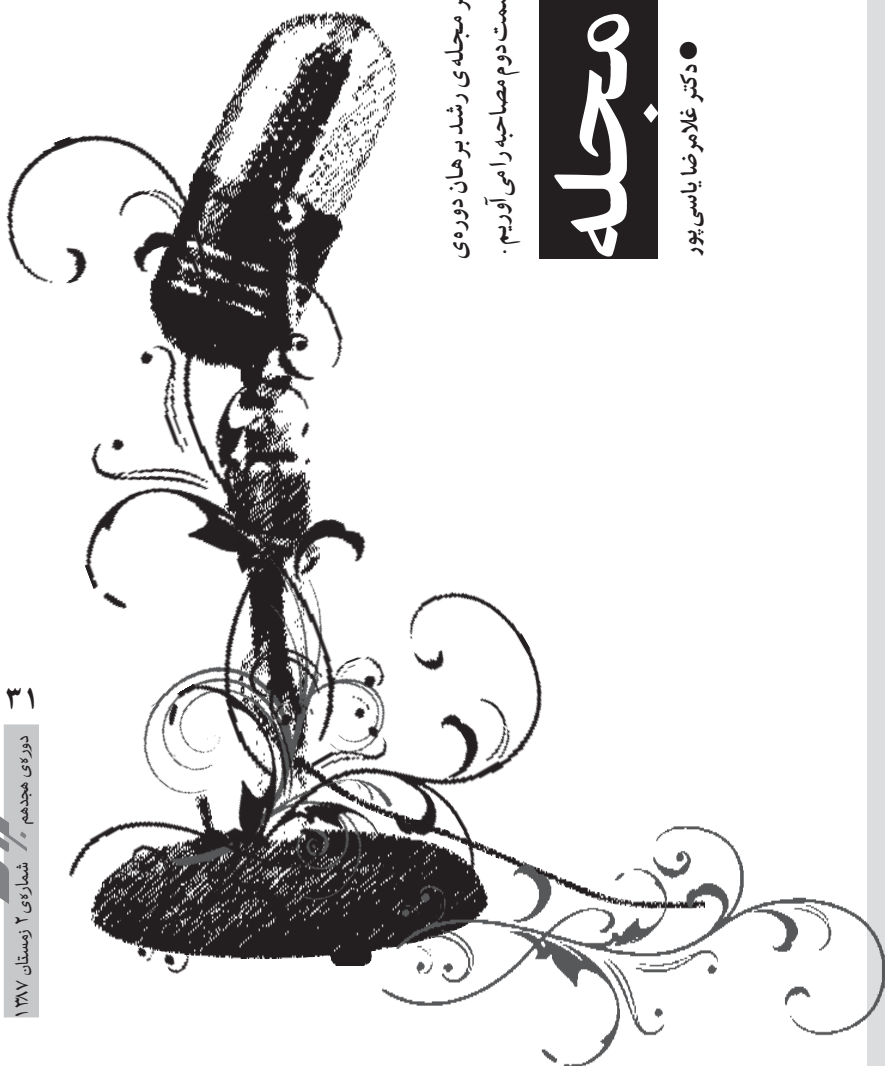
اشاره
در شماره های قبل قسمت اول مصاحبه با سردبیر مجله ی رشد پرهان دوره ی متوسطه را ملاحظه کردید. اینک در ادامه ی آن، قسمت دوم مصاحبه را می آوریم.

تجدید یک مجله (بخش دوم) • دکتر غلامرضا یاسینی پور

● سؤال بعدی که شما هم اشاره ی مختصری به آن کردید، این است که آموزش ریاضی در این دوره تقریباً ۲۰ ساله ای که شما در جریانش بودید چه پیشرفت هایی کرده است و چه نواقصی دارد؟ البته اگر دارد!

■ روشن است که در طول این سال ها آموزش ریاضی تغییر کرده و بسیاری از تغییرات آن هم، تغییرات اجباری بوده است. یعنی وقتی منابع دارند فراوان می شوند، وقتی رسانه ها دارند تغییر می کنند، وقتی امکانات آموزشی و کمک آموزشی بیشتر می شوند، طبعاً آموزش ریاضی هم تغییر پیدا می کند. اما تغییری که باید به لحاظ محتوایی و ساختاری داشته باشد، به نظر من هنوز رخ نداده است. یعنی آموزش ریاضی در حال حاضر در دبیرستان ها، نسبت به سال های ۶۶، ۶۷ و ۶۸، شاید فقط پنج درصد از لحاظ روش تغییر کرده است. البته ممکن است در محتوا هم تغییراتی رخ داده باشد که قطعاً هم همین طور است. بسیاری از این تغییرات به ناچار بوده است. یعنی کتاب درسی تغییر کرده و نحوه ی ارائه ی مطالب در کتاب درسی تغییر کرده، من معلم هم تغییر کرده ام، بر آن اساس. اما اگر بخواهیم آموزش ریاضی امروز دنیا را در نظر بگیریم، خیلی با آن فاصله داریم. یعنی در آموزش ریاضی امروز دنیا نظریه هایی پیاده شده، کارهایی انجام گرفته و کلاس هایی برای معلمان گذاشته شده است که در آموزش ما اثری از آن ها نیست.

کمی می آیم عقب تر و این جریان را نگاه می کنم. زمانی که من می خواستم لیسانس بگیرم، واحدهای اصلی، لیسانس دبیری



ریاضی با لیسانس ریاضی محض یکسان بود و فقط در چند واحد تربیتی تفاوت وجود داشت. ما چند واحد به اسم واحدهای تربیتی، مثل روان‌شناسی کودک و نوجوان، تمرین دبیری، بررسی کتب دبیرستانی داشتیم که آن‌ها نداشتند. اما آیا واقعاً این واحدها برای من که می‌خواهم آموزشگر ریاضی بشوم، کافی‌اند؟ کدام یک از نظریه‌هایی که الان در دنیا برای آموزش ریاضی پیاده می‌شوند و براساس آن‌ها آموزشگر ریاضی تربیت می‌شود، در ایران وجود دارد؟ چه در دوره‌ی کارشناسی چه در دوره‌ی کارشناسی ارشد. دوره‌ی دکتر هم که ما هنوز در ایران نداریم، داریم؟

می‌خواهم بیرسم، کدام یک از این نظریه‌ها، الان به آن‌ها که می‌خواهند دبیر ریاضی شوند، تدریس می‌شود؟ هنوز همان واحدهایی که ما زمان دانشجویی می‌خواندیم، به دانشجویان رشته‌ی دبیری ریاضی تدریس می‌شود. البته از امسال اصلاً رشته‌ای تحت عنوان دبیری وجود ندارد! آیا دبیران ما در طول دوره‌ی دبیری، معلم ریاضی می‌شوند؟ کدام یک از این دوره‌های ضمن خدمت به آن بحث اصلی آموزش ریاضی می‌پردازد؟ هیچ کدام. اگر معلمینی مطالعاتی داشته‌اند و روی قضیه‌ای کار کرده‌اند، شخصی بوده است. یعنی اگر من پنج درصد، ده درصد تغییر کرده‌ام، خودم کتاب و مقاله خوانده‌ام و با چند نفر که آموزش ریاضی را خوب کار کرده‌اند، آشنا بوده‌ام و از ایشان استفاده کرده‌ام. این ده درصد پیشرفت در زمینه‌ی آموزش ریاضی بوده است و در غیر این صورت، فقط تغییرات اجباری داشته‌ایم.

● ما دهمین کنفرانس آموزش ریاضی ایران را برگزار کرده‌ایم. این ده کنفرانس آموزش ریاضی که برگزار شده و همت زیادی نیز صرف آن شده و دبیران هم در این کنفرانس‌ها شرکت کرده، مقاله داده یا به عنوان مستمع حضور داشته‌اند، هیچ تأثیری روی آموزش

ریاضی در ایران نداشته‌اند؟

■ نمی‌شود بگوییم تأثیر نداشته‌اند. حتماً تأثیر گذاشته‌اند، اما تأثیر قطعاً در حد و اندازه‌ی آن کسانی بوده که در کنفرانس‌ها شرکت کرده‌اند. آیا مثلاً بنده بعد از کنفرانس آمده‌ام کلاسی دایر کنم تا تجربیاتی را که کسب کرده‌ام، به بقیه منتقل کنم؟ آیا کتابی که در این زمینه چاپ شده، در اختیار همه‌ی معلمین ریاضی قرار گرفته است؟ آیا فیلم‌های کنفرانس، کلاس‌ها و سخن‌رانی‌هایی که به صورت موازی برگزار و همه هم ضبط شده‌اند، در اختیار معلمین قرار گرفته‌اند؟ نه! چند نفر می‌توانند در یک کنفرانس آموزشی شرکت کنند؟ بیشتر از دو هزار نفر؟ آن هم در سطح دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و متوسطه. چون می‌دانید که کنفرانس‌های آموزشی، فقط دوره‌ی متوسطه را پوشش نمی‌دهد.

● آقای امیری، شما به دو سؤال بعدی ما هم جواب دادید. حال یک سؤال خصوصی مطرح می‌کنم و بعد دوباره می‌رویم سراغ سؤال‌های عمومی. کدام استاد بیشترین تأثیر را بر شما داشته است؟ و چرا؟

■ در دوره‌ی راهنمایی، معلم دینی ما آقای بود به نام احمد زمانی که من همیشه تحت تأثیر ایشان بودم. گرچه ایشان معلم دینی بودند، اما در خیلی از زمینه‌ها معلم من بودند. روش و منش معلمی ایشان این انگیزه را به من داد که پا در این عرصه بگذارم و به کار معلمی علاقه‌مند شدم. در دوره‌ی متوسطه معلمین خوب خیلی داشتم که اگر بخواهم یکی را از بین همه‌ی آن خوب‌ها بگویم، آقای مهندس مهرداد هستند که مکانیک به ما درس می‌دادند. ایشان الان قطعاً بازنشست شدند. من ایشان را تا دو سه سال پیش هم می‌دیدم. یک بار خدمتشان رسیدم و مطلع شدم، با مجله‌ی رشد آموزش فیزیک همکاری داشتند و دارند. در دوره‌ی کارشناسی در دانشگاه، از استاد، جناب آقای دکتر نشوادیان، معلم ریاضی بودن را یاد گرفتم. همواره دوست

داشته‌ام که پا جای پای ایشان بگذارم و همیشه مدیونشان هستم. دست همه‌ی این عزیزان را می‌بوسم.

● نظرتان درباره‌ی مدارس غیرانتفاعی چیست؟ چه قدر در همان رشته‌ی خودتان تأثیر دارند؟ بیشتر بحثم، بحث ریاضی است.

■ الان مدارس ما تبدیل شده‌اند به مدارس غیرانتفاعی. یعنی اکثریت با مدارس غیرانتفاعی است.

● یعنی تعدادشان بیشتر است؟

■ بله، الان در تهران حداقل در دوره‌ی متوسطه، تعداد مدارس غیرانتفاعی بیشتر از مدارس دولتی است.

● تأثیرشان چگونه است؟ خوب؟ متوسط؟ بد؟

■ در نظام آموزشی ما، مدیر نقش خیلی مهمی دارد و خیلی تأثیرگذار است. اگر مدیر یک مدرسه‌ی غیرانتفاعی، آدم فرهنگی باتجربه‌ای باشد، مدرسه را به آن چه که باید باشد، تبدیل می‌کند. چون در نهایت که فرقی نمی‌کند! نظام آموزشی ما نظامی متمرکز است، یعنی همان کتاب درسی که در مدرسه‌ی غیرانتفاعی باید تدریس شود، در مدرسه‌ی دولتی هم باید تدریس شود. اما اگر مدیر آدمی فرهنگی باشد، این کار به نحو احسن انجام می‌شود.

من فکر می‌کنم، اگر به مدرسه‌ی غیرانتفاعی از این دریچه نگاه کنیم که امکانات آموزشی بهتری دارند و معلم‌ها حقوق و حق التدریس بهتری می‌گیرند، بنابر این کار بهتری ارائه می‌شود، اشتباه نکرده‌ایم. اما آیا مخاطبینی که روبه‌روی این معلم‌ها و در این مدارس در حال درس خواندن هستند، اکثریت هستند؟ در پاسخ به این پرسش دچار اشکال می‌شویم. یعنی آیا ما امکانات آموزشی و معلمین خوب را برای عده‌ای که نمی‌گویم خیلی کم، اما در اقلیت هستند، به کار نگرفته‌ایم؟ ما باید بتوانیم این امکانات را توسعه دهیم. البته من شنیده‌ام چنین کاری

در شرف انجام است. یعنی قرار شده است، امسال در اداره‌ی مدارس وزارت تعاون و وزارت آموزش و پرورش تعامل داشته باشند و مدیریت به صورت هیئت امنایی صورت بگیرد. در این صورت بازده خوب خواهد شد. در واقع، آن امکاناتی که الان در مدارس غیرانتفاعی خوب ما هست، ان شاء الله به مدارس دولتی هم آورده شود.

بنابراین، مدارس غیرانتفاعی خوب کم نداریم. مدارس غیرانتفاعی که قبل از انقلاب اسلامی ملی بودند و حالا شده‌اند غیرانتفاعی، آن موقع هم تأثیرگذارترین مدارس بودند؛ مثل البرز و هشترودی و مدارس اسلامی مانند علوی. الان هم مدارس داریم که تأثیرگذارند. یعنی خروجی هایشان آدم‌هایی هستند که فقط درس نخوانده‌اند. درس زندگی یاد گرفتند، علم آموخته‌اند و در جامعه می‌توانند گلیم خودشان و بقیه را از آب بیرون بکشند.

● سؤال بعدی که در واقع مهم‌ترین سؤال است: کنکور و معضل آن؟ یعنی شما آیا این روش تستی برای ریاضیات را- چون بحث ما بحث اختصاصی ریاضیات است- می‌پسندید یا خیر؟ آیا برای آن دلیلی دارید و یا فقط نمی‌پسندید و یا نه می‌پسندید؟

■ چند وقت پیش هم آقای شرقی، سردبیر مجله‌ی ریاضی که مبتکران چاپ می‌کند، همین سؤال را کرد. البته در پاسخ به سؤال‌های ایشان نظرم را کامل و باز نگفتم. یک همایشی بود در منطقه ۱، چون من مسئولیت گروه ریاضی منطقه‌ی ۱ را هم دارم، تقریباً چهار سال پیش همایشی در این منطقه برگزار کردیم، تحت عنوان «نقش کنکور در آموزش ریاضی» که خود شما از سخنران‌های آن همایش بودید، در سالن شهید مولایی. البته اسم همایش ما این نبود. اسم اصلی آن چنین بود: «نقش مخرب کنکور در آموزش ریاضی» که ما مخربش را برداشتیم. گفتیم خود آن‌ها که می‌آیند، می‌شنوند و پی به آن می‌برند.

کنکور دارد تیشه می‌زند به آموزش ریاضی. این را من با اعتقاد کامل می‌گویم و پای حرفم هم هستم. در جایی که من باید مفاهیم را با عمق بسیار بالا درس بدهم، یعنی آن هدف اصلی آموزش ریاضی که فکر کردن و به تفکر واداشتن مخاطبم است، به او شعبده‌بازی و روش‌های تست زدن را یاد می‌دهم. محدودش می‌کنم به زمان و می‌گویم تو باید در این زمان فکر کنی و در این زمان به من جواب بدهی. پس مجبورم به او فرمول بدهم. در واقع، خلاقیت را از بین می‌برم و مفاهیم را نصفه نیمه یاد می‌دهم.

یادم هست، در آن همایش من از آقای قندهاری خواستم، تعدادی از تست‌های کنکور را نقد کند. ایشان خیلی استادانه این کار را انجام داد. تست کنکور را مثال می‌زد و نشان می‌داد به همه و می‌گفت این تست کنکور است. بنده اگر بخوام این مسئله‌ی ریاضی را سر کلاس دبیرستان حل کنم، این طور حل می‌کنم که از لحاظ ساختار آموزشی، حل آن روشی کاملاً منطقی دارد. ولی اگر بخوام به دانش‌آموزم سر کلاس کنکور درس بدهم، این طور حل می‌کنم که در سه خط به جواب می‌رسد و یا با حذف گزینه‌ها و روش‌های دیگر، در یک خط به جواب می‌رسم. توجه داشته باشید، وقتی من این جور درس می‌دهم، این مفاهیم از قلم می‌افتند! حالا اگر چنین مسئله‌ای با این شرایط طرح شود، دانش‌آموزی که آن را به روش کنکوری یاد گرفته است، دیگر نمی‌تواند جواب دهد. ده پانزده تا مسئله را به همین ترتیب مقایسه می‌کرد.

مسلم است که کنکور دارد به آموزش ریاضی ضربه می‌زند، ولی این که ما چاره‌ای داریم یا نداریم یا بحث‌هایی که در حاشیه مطرح است، بماند. به هر صورت، این تعیین سرنوشت یک مملکت است آقای یاسی پور. این بچه‌ها که دارند دانشگاه می‌روند، فردا می‌خواهند آینده‌سازان

مملکت اسلامی ما بشوند. وقتی من کنکور برگزار می‌کنم، سرنوشت این مملکت را رقم می‌زنم، رقم زدن سرنوشت یک مملکت در مدت چهار ساعت اصلاً فاجعه است! اصلاً اقدام به این کار به نظر من اشکال دارد. این سرنوشت که با کم‌ترین عامل مزاحم تغییر می‌کند. وقتی این حرف را می‌زنم، تعجب می‌کنید. درحالی که عده‌ای نشسته‌اند سر جلسه‌ی کنکور، بیرون یک اره‌ی برقی شروع می‌کند به کار کردن! آیا آن‌ها که در جلسه‌ی کنکور نشسته‌اند، حواسشان پرت می‌شود یا نه؟ آیا تأثیری در قبولی‌شان دارد یا نه؟ این قبولی در سرنوشت مملکت تأثیر دارد یا نه؟ پس سرنوشت یک مملکت با صدای یک اره‌ی برقی تغییر می‌کند!

اما چاره چیست؟ ما چندین راه پیشنهاد کرده‌ایم، اما تا به حال توجه نشده است. وظیفه‌ی اصلی سازمان سنجش، سنجش است، نه گزینش. الان سازمان سنجش ما، سازمان سنجش و گزینش است! سازمان سنجش باید امتحان‌های استاندارد را از دبیرستان تا دیپلم و حتی پیش دانشگاهی برگزار کند. کنکور هم چرا باید یک بار در سال باشد؟ وقتی سؤال استاندارد مطرح شود، سه بار در سال کنکور بدهند! یعنی سه زمان را تعیین کنند تا اگر یک نفر نشست سر جلسه‌ی کنکور، این احساس را نداشته باشد که اگر امروز را از دست داد، زندگی‌اش را از دست داده است. هر چهار ماه یک بار کنکور بگیرند. در کنکور هم فقط نمره‌ی خام مهم است. سازمان سنجش نمره‌ی خام کنکور و سال‌های دبیرستان را در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌دهد. دانشگاه‌ها خودشان گزینش می‌کنند. این سنجش می‌کند، دانشگاه‌ها گزینش می‌کنند. گزینش براساس طبقه‌بندی خود دانشگاه‌ها و براساس رشته‌هایی که دارند، انجام می‌شود. حالا ممکن است دانشگاه‌ها کنکور بگیرند یا سؤال تشریحی بدهند. آن را دیگر خودشان می‌دانند. دانشگاه حتماً دلش برای خودش

می سوزد و می کوشد طوری گزینش کند که بهترین ها را برگزیند.

از طرف دیگر، کنکور به این شکل نباید برگزار شود. درست است که سرعت انتقال اهمیت دارد، اما سرعت انتقال را در جایگاه خودش اندازه گیری کنیم. برای یک درس، بیاییم سرعت انتقال بگذاریم و یا ضریبی بگذاریم. اما آیا همه ی آن هایی که فارغ التحصیل شده اند، دکتر دارند و به مدارج خیلی بالا رسیده اند، از سرعت انتقال خیلی بالا برخوردار بوده اند؟ این طور نبوده است! به تحقیق و پژوهش دست زده اند و ماه ها و سال ها روی این مسئله فکر کرده اند. وقتی یک درس را بگذاریم برای سنجش سرعت انتقال، هر سؤال بقیه ی درس ها چرا باید یک دقیقه و نیم زمان داشته باشد؟ سه دقیقه زمان بدهند برای آن. در این صورت می توانند سؤال های کامل و پنج گزینه ای طرح کنند و وقت هم بدهند، تا واقعاً یک گزینش درست انجام شود.

● پیشنهاد شما برای بهبود آموزش ریاضی چیست؟ شما در کنفرانس های متعدد آموزش ریاضی شرکت می کنید و حتماً سخن رانی هایی هم داشته اید. اگر می شود به طور مختصر، از پیشنهادهایی که در این جلسه مطرح کرده اید و در ذهن دارید، چند نمونه بفرمایید.

■ اگر بخواهیم آموزش ریاضی ما دچار تحول شود، باید آموزشگران ریاضی را متحول کنیم. یعنی دبیران و معلمان ریاضی ما باید متحول شوند. آموزش و پرورش باید بیاید با دانشگاه ها قرارداد ببندد. حداقل از دبیران ریاضی که نقش مهمی در جامعه دارند، بخواهد که در این دوره ها شرکت کنند. به آن ها امکانات بدهد و آن ها را با نظریه های به روز آموزش ریاضی در دنیا آشنا کند.

● آخرین و مهم ترین سؤال بنده این است که تأثیر ایمان در پیشرفت علمی دانش آموزان چیست؟ البته شما به این سؤال در هر شماره ی

برهان در یادداشت سردبیر جواب می دهید و من سؤال را از آن جا ایده گرفته ام. منتها می خواهیم خیلی شسته و رفته و خلاصه بفرمایید، ایمان چه قدر می تواند در پیشرفت علمی دانش آموزان تأثیر داشته باشد؟

■ این سؤال به ظاهر ساده، اما بسیار پیچیده است. من فکر می کنم ایمان در علم دو وجه دارد، یعنی از دو دریچه باید به آن نگاه کرد. یکی، هنگامی که متعلم در حال یادگیری علم است، ایمان در آن فراگیری علم چه نقشی دارد؟ چون ما کسانی را هم داریم که به هیچ چیز ایمان ندارند، اما خیلی هم خوب علم فرا گرفته اند.

دوم، پس از آن که این متعلم علم را فراگرفت، هنگامی که می خواهد آن را به کار بندد، نقش ایمان خیلی بالا می رود. مخاطبین ما، پس از این که علم را فراگرفتند، باید از آن ایمانی که دارند، استفاده کنند و کاربردهای آن علم را در جهتی سوق دهند که به نفع جامعه، مملکت و دینشان باشد.

من خودم شخصاً تأثیر ایمان را در هر دو مقطعی که خدمتان گفتم، دیده ام و لمس کرده ام. یعنی بارها وقتی روی مسئله ی ریاضی فکر می کردم و نمی توانستم مسئله را حل کنم، یا دیگر احساس می کردم که فکر به جایی قد نمی دهد، آن مسئله را کنار می گذاشتم و می رفتم آیاتی از قرآن می خواندم، دورکعت نماز می خواندم یا می نشستم به خلقتم و به خالقم فکر می کردم. وقتی قدری آرامش پیدا می کردم و به سراغ آن مسئله می رفتم، خیلی راحت آن مسئله حل می شد. این بارها برایم اتفاق افتاده است. غالباً هم ساعت ۱۲ شب به بعد بوده است. فکر می کنم یک «بسم الله الرحمن الرحیم» از طرف یک عالم و دانشمند، به ویژه یک ریاضی دان، تأثیرش از این که شاید دو ساعت یک موعظه گر بخواهد موعظه کند، بیشتر است.

امیدوارم همه ی دانش آموزان ایران اسلامی به این مسئله توجه کنند که علم و ایمان را توأم با هم پیش ببرند، این ها را

نمی شود از هم جدا کرد. آن جنبه ی عملی را، ایمان خیلی خوب می تواند تقویت کند و ثمربخش تر سازد.

● خیلی ممنون آقای امیری، همین افتخار برای شما بس که نزدیک به ۲۰ سال توانستید مجله ی برهان را ادامه دهید و هیئت تحریریه را نگه دارید. با تشکر از شما و آقای صدر که در این برنامه شرکت کردید. اگر حرف آخری دارید، بفرمایید.

■ می خواستم این جا چند تا تشکر داشته باشم. می دانید که در این مسیر ۲۰ ساله با تمام فراز و نشیب هایش، من تنها نبوده ام و کمک هایی که به من شده است، اول از همه از طرف خانواده ام و به ویژه همسرم بوده است. اول تشویق های خانواده ام و همکاری ها و هم یاری های آن ها و بعد همکاران بسیار بسیار دلسوزی که من در این مسیر داشته ام. چون مجله برهان تا شماره ۳۸ انتشارات مدرسه چاپ و توزیع می شد باید از آقای برادری که معاون فرهنگی «انتشارات مدرسه» هستند نام ببرم که همیشه در مورد برهان خیلی به من کمک می کردند. آقای آشتیانی که مسئول تولید بودند ما خیلی در تولید اذیتشان کردیم. بعد تک تک اعضای هیئت تحریریه که هیچ گاه مرا تنها نگذاشتند و ما هر وقت خواستیم، با ایشار وقت شان آمدند و نشستیم، برنامه ریزی کردیم و به موقع مقالات را به ما دادند. دیگر، برادر و همکار بسیار محترم، جناب آقای صدر که زحمت این مجله را سالیان سال است به دوش می کشند. چون من قدری درگیر کار تألیف و تدریس شدم، نقش ایشان در زمینه ی اداره ی مجله خیلی پررنگ تر شد. و سرانجام مسئولین و دست اندرکاران فعلی «دفتر انتشارات کمک آموزشی»، مدیر مسئول محترم و سایر کارکنان مجله که پشت صحنه هستند، حروف چین ها، گرافیک ها، نمونه خوان ها و همه.

● به هر حال اجر شما با خداوند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

